

روز سی و یکم: جمعه هفته پنجم

و چون ایشان در جلیل می‌گشتند، عیسی بدیشان گفت: «پسر انسان به دست مردم تسلیم کرده خواهد شد، و او را خواهند کشت و در روز سوم خواهد برخاست.» پس بسیار محزون شدند. متی ۱۷: ۲۲-۲۳

شاگردان نزدیک به عیسی و احتمالاً دوستان دیگرش از جمله زنان برای سفر به اورشلیم به منظور برگزاری مراسم عید فصح با یکدیگر جمع شده‌اند. زمانیکه گرد هم آمدند عیسی آنان را از اتفاقی که در آنجا خواهد افتاد آگاه ساخت. عیسی با علم به اینکه چه اتفاقی در پیش است، پا به این سفر گذاشت. هرچند او در باغ جتسیمانی اندوهگین شده بود ولی در این لحظه برعکس شاگردانش، پریشان نبود بلکه مصمم و با عزمی راسخ این سفر را آغاز نمود (لوقا ۹: ۵۱). او به خاطر محبت عظیمش به پدر و همچنین به ما، تصمیم گرفت که مسیر مرگ و رستاخیز را در پیش بگیرد.

این اولین باری نیست که عیسی راجع به مرگ قریب الوقوعش با شاگردان صحبت می‌کند. او قبلاً نیز راجع به این موضوع با آنان صحبت کرده بود ولی آنان کاملاً متوجه نشده بودند. پطرس و دیگر شاگردان در محیطی رشد کرده بودند که فکر می‌کردند خداوند، مسیح را خواهد فرستاد تا آنان را از دست دشمنانشان رهایی دهد که تفسیرش برای آنان امپراطوری روم بود ولی خداوند نقشی بهتری برای آنان داشت. او می‌خواست آنان را از قدرت شیطان رها کرده و وارد رابطه‌ی درست با خودش کند. پیش از مرگ و رستاخیز عیسی مسیح، انسانها برای پرستش کردن خداوند می‌بایست ابتدا یک قربانی تقدیم می‌کردند. اگر شما کاهن بودید ممکن بود سالی یک بار برای ورود به معبد قرعه به نامتان بیفتد. اگر مرد بودید اجازه داشتید به صحن درونی وارد شوید ولی زنان می‌بایست در صحن بیرونی بمانند. غیر یهودیان حتی اگر یک قربانی را فراهم کرده بودند نیز می‌بایست در جایی دورتر نسبت به زنان منتظر می‌ماندند. در واقع هیچ قربانی مورد قبولی وجود نداشت که بتواند مردم را برای ارتباط نزدیکتر با خداوند آماده سازد. خدای پدر، پسر و روح القدس می‌خواست شرایط را به نحوی آماده کند تا انسان بتواند آزادانه با او رابطه برقرار کند؛ این هدیه‌ای باور نکردنی است! شاگردان به دلیل اینکه نمی‌توانستند چیزی را فراتر از درک فرهنگیشان نسبت به مسیح ببینند، از پیش گویی مسیح درباره‌ی مرگش بسیار نگران و مضطرب شدند. آنان آنقدر نگران شدند که حتی خبر خوش رستاخیز او را نشنیدند و یا شاید شنیده ولی آن را درک نکردند.

ما در زندگیمان بسیار نگران و مضطرب می‌شویم. چشمانمان به درک فرهنگیمان نسبت به خوب و بد دوخته شده است. فکر می‌کنیم که رنج و مصیبت، مخصوصاً برای آنانی که در مسیح هستند نباید اتفاق بیفتد در صورتیکه این اشتباهی بزرگ است. عیسی هرگز به ما وعده نداده است که از رنج و زحمت در این زندگی رهایی خواهیم یافت. او ما را به پیروی از خودش دعوت کرده است و در این مسیر با رنج مواجه می‌شویم. این رنجها برای نیکویی ما و جلال خداوند خواهند بود. عیسی رنج کشید و خداوند را جلال داد و نتیجه‌ای بسیار عالی در پی داشت. او حاضر شد این کار را انجام دهد چون می‌دانست به کجا می‌رود؛ او می‌دانست که رستاخیز نموده و با خداوند خواهد بود. ما نیز باید همین دیدگاه را در زندگی خود بپرورانیم. ما که در مسیح هستیم می‌دانیم به کجا می‌رویم. ما به خداوند ملحق شده و با او حیات جاودانی را تجربه خواهیم کرد و برای ابدیت او را پرستش کرده و از مصاحبت با او لذت خواهیم برد. اگر این دیدگاه را برای خودمان حفظ کنیم، توانایی تحمل هر مصیبت و جفایی که بر سر راهمان قرار گیرد را خواهیم داشت.

متن‌های پیشنهادی برای مطالعه:

متی ۱۶: ۱۳-۲۳

پرسشها برای اندیشیدن:

آیا امروز یا این هفته توانسته‌ام از دیدگاه ابدیت به زندگی نگاه کنم؟

چه چیزی می‌تواند مرا برای حفظ این دیدگاه کمک کند؟

دعا:

ای پدر ابدی! ممنونیم که برای ما راهی را مهیا ساختی تا بتوانیم در حضور تو باشیم. ای عیسی، خداوند ما! برای اینکه به خاطر گناهان ما مصلوب شدی سپاسگزاریم. امروز کمکمان کن تا بتوانیم ابدیت را در ذهن خود نگاه داریم. در نام عیسی مسیح، آمین!